

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

فلسفه تعلیم و تربیت

(جلد ۱۰)

۱۴۰۲

تالیف و تدوین

گروه مولفین

فهرست مطالب

آزمون دکترای فلسفه تعلیم و تربیت ۱۴۰۲

۷.....	مبانی و اصول تعلیم و تربیت
۸.....	پاسخ‌نامه مبانی و اصول تعلیم و تربیت
۲۲.....	روش‌های پژوهش کیفی با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت
۲۴.....	پاسخ‌نامه روش‌های پژوهش کیفی با تأکید بر فلسفه تعلیم و تربیت
۵۳.....	مکاتب فلسفی و نظریه‌های تربیتی
۵۵.....	پاسخ‌نامه مکاتب فلسفی و نظریه‌های تربیتی
۸۹.....	تاریخ اندیشه‌های تربیتی ایران و جهان
۹۰.....	پاسخ‌نامه تاریخ اندیشه‌های تربیتی ایران و جهان
۱۰۹.....	تربیت اسلامی
۱۱۰.....	پاسخ‌نامه تربیت اسلامی
۱۳۳.....	منابع

آزمون دکترای فلسفه تعلیم و تربیت ۱۴۰۲

مبانی و اصول تعلیم و تربیت



۱. عامل تناقض بین اصل حریت و اصل سندیت، کدام است؟
(۱) پرورش استعدادها به وسیله آزمایش و تمرین
(۲) توجه نکردن به امیال و خواسته‌های یادگیرنده
(۳) فراهم ساختن برنامه زندگی و شغلی
(۴) نگرانی مری از لحاظ تحقق ارزش‌ها
۲. اصل زیر، ناظر بر کدام مکتب فلسفی است؟
«کودک باید طوری تربیت شود که از آزادی بهره‌مند شود و مسئول کیفیت زندگی خویش باشد.»
(۱) اگریستانسالیسم
(۲) ایدئالیسم
(۳) تومیسم
(۴) رئالیسم
۳. دکتر هوشیار، به کار بستن اصول تعلیم و تربیت را مستلزم چه چیزی می‌داند؟
(۱) تناسب - وحدت - اقتصاد
(۲) تشخص - غنای محیط - حریت
(۳) جلوگیری از حیات کششی - محدود نکردن دایره فعالیت طفل
(۴) غنای محیط - قرار دادن کودک در معرض تحریکات مناسب
۴. «آزادی کاملاً تنظیم شده»، پیشنهاد کدام فیلسوف بوده و راه حلی برای کدام تناقض تربیتی است؟
(۱) کانت - حریت و اجتماع
(۲) روسو - حریت و سندیت
(۳) مونته سوری - حریت و فعالیت
(۴) کرشن اشتاینر - حریت و فردیت
۵. عبارت زیر تبیین‌کننده کدام اصل تربیتی است؟
«هرگز اعتماد به نفس دانش‌آموز را از بین مبر! با این همه، او را به ضبط هرچه کامل‌تر عملش رهبری کن.»
(۱) حریت
(۲) سندیت
(۳) فردیت
(۴) کمال
۶. کدام مورد، تبیین‌گر بهتری برای دیدگاه جان دیویی درباره ارزش‌های تربیتی است؟
(۱) رابطه‌ای
(۲) زمینه‌ای
(۳) ذهنی با شخصی
(۴) عینی
۷. براساس نظر اسمیت، اصل پذیرفتن نظریه‌ها با قضاوت‌های مشروط و علاقه به تصمیم‌گیری در مواقع مبهم، مربوط به کدام بعد ذهن فلسفی است؟
(۱) انعطاف‌پذیری
(۲) تعمق
(۳) جامعیت
(۴) همگرایی
۸. ایده التزام انتقادی از منظر جان دیویی، به معنای امتزاج میان کدام موارد است؟
(۱) اندیشه فردی و تجویز گروهی
(۲) منطق علمی و تجویز اجتماعی
(۳) نیازهای فردی و اخلاقیات بشری
(۴) مسایل انسانی و نیازهای جمعی
۹. مطلوب اصل کمال، کدام است؟
(۱) خودکاری مرتبی
(۲) تأکید بر تربیت نخبگان
(۳) ممانعت از زندگی کششی
(۴) توجه به تمایلات شخصی
۱۰. کدام معنا در توضیح «اصل فعالیت» به عنوان یکی از اصول تربیت «ایمانوئل کانت» درست است؟
(۱) مبین آزادی انسان در تمامی مراحل تربیت است.
(۲) مبین آن است که کلیه معلومات باید با تجربه آغاز شود.
(۳) موجبات عبور از طبیعت به فرهنگ را فراهم می‌کند.
(۴) مهم‌ترین اثر آن در تربیت شخصیت اجتماعی است.



۱. گزینه ۱)

شرح منظور سؤال:

سؤال به دنبال یافتن عاملی است که می‌تواند به ظاهر بین دو اصل مهم در تعلیم و تربیت، یعنی "اصل حریت" (آزادی) و "اصل سندیت" (اقتدار یا مرجعیت) تناقض ایجاد کند. به عبارت دیگر، سؤال می‌پرسد چه چیزی می‌تواند باعث شود که رعایت همزمان این دو اصل دشوار یا حتی غیرممکن به نظر برسد. اصل حریت بر آزادی و استقلال یادگیرنده در یادگیری و انتخاب تأکید دارد، در حالی که اصل سندیت بر نقش مربی یا معلم به عنوان منبع دانش و راهنما و لزوم پیروی از او تأکید می‌کند. سؤال می‌خواهد بداند چه عاملی می‌تواند این دو را در مقابل هم قرار دهد.

دلایل انتخاب گزینه ۱) "پرورش استعدادها به وسیله آزمایش و تمرین":

گزینه ۱) "پرورش استعدادها به وسیله آزمایش و تمرین" به درستی عامل تناقض بین اصل حریت و سندیت را نشان می‌دهد. دلیل آن به شرح زیر است:

- **حریت و اکتشاف:** پرورش استعدادها اغلب نیازمند فضایی از آزادی و اکتشاف است. یادگیرندگان باید بتوانند به طور مستقل آزمایش کنند، اشتباه کنند، از اشتباهات خود بیاموزند و مسیر یادگیری خود را تا حدی خودشان تعیین کنند. این امر با مفهوم حریت در تعلیم و تربیت سازگار است.
- **سندیت و ساختار:** از سوی دیگر، پرورش استعدادها نیازمند نوعی ساختار و راهنمایی است که از سوی مربی یا معلم ارائه می‌شود. مربی باید دانش و تجربه خود را در اختیار یادگیرنده قرار دهد، او را در مسیر درست هدایت کند و از انحراف او از اهداف یادگیری جلوگیری کند. این امر با مفهوم سندیت مرتبط است.

- **نقطه تناقض:** تناقض زمانی ایجاد می‌شود که تأکید بیش از حد بر سندیت، آزادی یادگیرنده را در آزمایش و تمرین محدود کند. به عنوان مثال، اگر مربی بیش از حد بر روش‌های سنتی و از پیش تعیین شده تأکید کند و به یادگیرنده اجازه ندهد روش‌های جدید را امتحان کند یا از راه‌های مختلف به حل مسائل بپردازد، اصل حریت نادیده گرفته می‌شود. به همین ترتیب، اگر تأکید بیش از حد بر حریت باشد و هیچ ساختار و راهنمایی از سوی مربی ارائه نشود، یادگیرنده ممکن است در مسیر یادگیری خود گم شود و نتواند به طور مؤثر استعدادهای خود را پرورش دهد.

- **تعادل:** راه حل این تناقض، ایجاد تعادل بین حریت و سندیت است. مربی باید فضایی امن و آزاد برای آزمایش و تمرین فراهم کند، در عین حال با ارائه راهنمایی و ساختار مناسب، از یادگیری مؤثر اطمینان حاصل کند.

تجزیه و تحلیل:

این گزینه به طور مستقیم به ماهیت پرورش استعدادها و نیاز آن به تعامل بین آزادی و راهنمایی می‌پردازد. سایر گزینه‌ها به این اندازه به هسته اصلی تناقض بین این دو اصل نمی‌پردازند. گزینه ۲) "توجه نکردن به امیال و خواسته‌های یادگیرنده" می‌تواند عامل دیگری در مشکلات یادگیری باشد، اما به طور خاص به تناقض بین حریت و سندیت اشاره نمی‌کند. گزینه‌های ۳) "فراهم ساختن برنامه زندگی و شغلی" و ۴) "نگرانی مربی از لحاظ تحقق ارزش‌ها" نیز مسائل مهمی در تعلیم و تربیت هستند، اما مستقیماً به موضوع مورد بحث مرتبط نیستند.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **اصل حریت (Principle of Freedom):** به آزادی و استقلال یادگیرنده در انتخاب و تعیین مسیر یادگیری خود اشاره دارد.
- **اصل سندیت (Principle of Authority):** به نقش مربی یا معلم به عنوان منبع دانش و راهنما و لزوم پیروی از او اشاره دارد.
- **پرورش استعدادها (Talent Development):** به فرایند شناسایی، پرورش و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه افراد اشاره دارد.
- **آزمایش و تمرین (Experimentation and Practice):** به فرایندی اشاره دارد که در آن یادگیرندگان با انجام فعالیت‌های عملی و تکرار آنها، مهارت‌ها و دانش جدید را کسب می‌کنند.

بررسی بیشتر گزینه ۱) "پرورش استعدادها به وسیله آزمایش و تمرین":

- **تأکید بر تجربه و عمل:** این گزینه بر اهمیت تجربه مستقیم و عملی در فرایند یادگیری و پرورش استعدادها تأکید دارد. در فلسفه تعلیم و تربیت، تجربه‌گرایی (Empiricism) جریانی است که بر نقش تجربه حسی در کسب دانش و مهارت تأکید می‌کند. جان دیویی، از چهره‌های برجسته این جریان، یادگیری را فرایندی فعال و مبتنی بر تجربه می‌دانست. آزمایش و تمرین، مصادیق بارز این نوع یادگیری هستند.

- **ایجاد تعادل بین آزادی و راهنمایی:** همانطور که پیشتر گفته شد، پرورش استعدادها نیازمند تعامل ظریف بین آزادی و راهنمایی است. آزمایش و تمرین، فضایی را فراهم می‌کند که یادگیرنده بتواند به طور مستقل به کاوش و کشف بپردازد (حریت)، در عین حال، مربی با ارائه چارچوب‌ها، بازخوردها و راهنمایی‌های لازم، مسیر یادگیری را هدایت می‌کند (سندیت). این تعامل، هسته اصلی تناقض ظاهری بین این دو اصل را تشکیل می‌دهد.

- **نقد رویکردهای سنتی:** این گزینه، به طور ضمنی، رویکردهای سنتی تعلیم و تربیت را که بر انتقال صرف دانش از سوی معلم به شاگرد و حفظ مطالب تأکید دارند، نقد می‌کند. در این رویکردها، نقش یادگیرنده منفعل و محدود به دریافت اطلاعات است و فرصتی برای آزمایش، تمرین و کشف مستقل وجود ندارد. این امر، اصل حریت را به شدت محدود می‌کند.

- **ارتباط با سازنده‌گرایی (Constructivism):** این گزینه با نظریه سازنده‌گرایی نیز همسو است. سازنده‌گرایی بر این باور است که یادگیرندگان دانش خود را به طور فعال و از طریق تعامل با محیط و تجربیات خود می‌سازند. آزمایش و تمرین، فرصت‌هایی را برای این ساختن فعال فراهم می‌کند.



دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۲** ("توجه نکردن به امیال و خواسته‌های یادگیرنده"): این گزینه به اهمیت توجه به انگیزه‌ها و علایق یادگیرنده اشاره دارد که موضوع مهمی در تعلیم و تربیت است. اما به طور مستقیم به تناقض بین اصل حریت و سندیت نمی‌پردازد. بی‌توجهی به امیال یادگیرنده می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و یادگیری ناکارآمد شود، اما لزوماً تناقضی بین آزادی و اقتدار ایجاد نمی‌کند. ممکن است مربی با رعایت اصل سندیت (ارائه ساختار و راهنمایی)، به خواسته‌های یادگیرنده نیز توجه کند.
- **گزینه ۳** ("فراهم ساختن برنامه زندگی و شغلی"): این گزینه به نقش تعلیم و تربیت در آماده‌سازی افراد برای زندگی و شغل اشاره دارد. این نیز موضوع مهمی است، اما ارتباط مستقیمی با تناقض بین حریت و سندیت ندارد. برنامه‌ریزی برای زندگی و شغل می‌تواند با رعایت هر دو اصل صورت گیرد. به عنوان مثال، مربی می‌تواند با ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های لازم (سندیت)، به یادگیرنده در انتخاب مسیر شغلی مناسب بر اساس علایق و استعدادهايش (حریت) کمک کند.
- **گزینه ۴** ("نگرانی مربی از لحاظ تحقق ارزش‌ها"): این گزینه به دغدغه مربی در مورد انتقال و تحقق ارزش‌های مورد نظر جامعه یا نظام آموزشی اشاره دارد. این دغدغه می‌تواند منجر به محدود کردن آزادی یادگیرنده شود، اما لزوماً عامل اصلی تناقض بین حریت و سندیت نیست. ممکن است مربی با روش‌هایی که با اصل حریت سازگار باشند، به انتقال ارزش‌ها بپردازد. به عنوان مثال، با ایجاد فضایی برای بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر، یادگیرندگان را به تفکر انتقادی در مورد ارزش‌ها تشویق کند.

نکات تخصصی در مورد این سؤال و گزینه‌های آن:

- **ماهیت دیالکتیکی تعلیم و تربیت:** این سؤال به ماهیت دیالکتیکی تعلیم و تربیت اشاره دارد. تعلیم و تربیت همواره با تنش‌ها و تناقض‌هایی روبرو است. تعامل بین حریت و سندیت، یکی از این تنش‌ها است. درک این ماهیت دیالکتیکی، برای مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت ضروری است.
- **اهمیت زمینه و شرایط:** نحوه تعامل بین حریت و سندیت، به زمینه و شرایط خاص یادگیری بستگی دارد. در برخی موقعیت‌ها، تأکید بیشتر بر سندیت و در برخی دیگر، تأکید بیشتر بر حریت لازم است. مربی باید با توجه به شرایط، تعادل مناسب را برقرار کند.
- **نقش مربی به عنوان تسهیل‌گر:** در رویکردهای نوین تعلیم و تربیت، نقش مربی از انتقال‌دهنده صرف دانش به تسهیل‌گر یادگیری تغییر یافته است. مربی باید با ایجاد فضایی امن و پویا، یادگیرندگان را در فرایند یادگیری فعالانه مشارکت دهد و به آنها در کشف و پرورش استعدادهايشان کمک کند.

۲. گزینه ۲)

سؤال به دنبال یافتن مکتب فلسفی است که با اصلی که در آن ذکر شده ("کودک باید طوری تربیت شود که از آزادی بهره‌مند شود و مسئول کیفیت زندگی خویش باشد.") همخوانی داشته باشد. این اصل بر دو مفهوم کلیدی تأکید دارد: آزادی و مسئولیت فردی. سؤال می‌خواهد بداند کدام مکتب فلسفی بیشترین تأکید را بر این دو مفهوم دارد.

دلایل انتخاب گزینه ۱ ("اگزیستانسیالیسم"):

- **گزینه ۱ ("اگزیستانسیالیسم")** به درستی مکتب فلسفی مرتبط با اصل ذکر شده است. دلایل آن به شرح زیر است:
- **تأکید بر آزادی:** اگزیستانسیالیسم به شدت بر آزادی انسان تأکید دارد. از دیدگاه اگزیستانسیالیست‌ها، انسان موجودی آزاد است و این آزادی، ذاتی و جدایی‌ناپذیر از وجود اوست. انسان محکوم به آزادی است، یعنی نمی‌تواند از آن فرار کند. این آزادی، به معنای انتخاب کردن و تصمیم گرفتن است.
- **تأکید بر مسئولیت:** از نظر اگزیستانسیالیست‌ها، آزادی با مسئولیت همراه است. انسان به دلیل آزاد بودنش، مسئول تمام انتخاب‌ها و تصمیمات خود است. او مسئول سرنوشت خود و معنایی است که به زندگی خود می‌بخشد. هیچ عامل خارجی، مانند جبر تاریخی یا سرنوشت از پیش تعیین شده، نمی‌تواند مسئولیت را از انسان سلب کند.
- **هویت فردی و اصالت وجود:** اگزیستانسیالیسم بر اهمیت هویت فردی و اصالت وجود تأکید دارد. هر فرد، موجودی منحصر به فرد است و باید خودش، معنای زندگی خود را بیافریند. هیچ الگوی از پیش تعیین شده‌ای برای زندگی وجود ندارد.
- **ارتباط با تربیت:** در زمینه تربیت، اگزیستانسیالیسم بر پرورش افرادی آزاد، مسئول و خودآگاه تأکید دارد. تربیت باید به کودک کمک کند تا آزادی خود را بشناسد، مسئولیت انتخاب‌های خود را بپذیرد و هویت منحصر به فرد خود را شکل دهد.

تجزیه و تحلیل:

اصل ذکر شده در سؤال ("کودک باید طوری تربیت شود که از آزادی بهره‌مند شود و مسئول کیفیت زندگی خویش باشد.") به طور کامل با اصول اگزیستانسیالیسم همخوانی دارد. سایر گزینه‌ها، به این اندازه بر آزادی و مسئولیت فردی تأکید ندارند.

- **ایدئالیسم:** ایدئالیسم بر وجود ایده‌ها و مفاهیم ازلی و ابدی تأکید دارد و واقعیت مادی را سایه‌ای از این ایده‌ها می‌داند. در ایدئالیسم، تربیت به دنبال پرورش افرادی است که به این ایده‌ها دست یابند.
- **تومیست (Thomism):** فلسفه توماس آکویناس است که تلاش کرد آموزه‌های مسیحی را با فلسفه ارسطو تلفیق کند. در تومیست، عقل و ایمان هر دو منابع شناخت هستند و تربیت به دنبال پرورش افرادی است که با عقل و ایمان به حقیقت دست یابند.
- **رنالیسم:** رنالیسم بر وجود مستقل جهان خارج از ذهن انسان تأکید دارد. در رنالیسم، تربیت به دنبال انتقال دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی در این جهان واقعی است.



هیچ کدام از این مکاتب، به اندازه اگزیستانسیالیسم بر آزادی و مسئولیت فردی تأکید ندارند.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **اگزیستانسیالیسم (Existentialism):** مکتب فلسفی که بر وجود، آزادی، مسئولیت و اصالت فردی تأکید دارد.
- **آزادی (Freedom):** توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری بدون جبر خارجی.
- **مسئولیت (Responsibility):** پاسخگویی در قبال انتخاب‌ها و تصمیمات.
- **هویت فردی (Individual Identity):** ویژگی‌های منحصر به فردی که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند.
- **اصالت وجود (Authenticity):** زندگی کردن بر اساس ارزش‌ها و انتخاب‌های خود، نه تقلید از دیگران.

بررسی بیشتر گزینه ۱ ("اگزیستانسیالیسم"):

تأکید بر وجود مقدم بر ماهیت: یکی از اصول بنیادین اگزیستانسیالیسم، تقدم وجود بر ماهیت است. این بدان معناست که انسان ابتدا وجود پیدا می‌کند و سپس با انتخاب‌ها و اعمال خود، ماهیت خود را می‌سازد. این برخلاف دیدگاه‌هایی است که معتقدند انسان از پیش با ماهیتی مشخص آفریده شده است. اصل سؤال، با تأکید بر مسئولیت کودک در قبال کیفیت زندگی خود، دقیقاً با این اصل همخوانی دارد. کودک با انتخاب‌ها و تصمیمات خود، زندگی خود را شکل می‌دهد و مسئول پیامدهای آن است.

مسئولیت در قبال خود و جهان: اگزیستانسیالیسم نه تنها بر مسئولیت فرد در قبال خود، بلکه بر مسئولیت او در قبال جهان نیز تأکید دارد. انتخاب‌های هر فرد، تأثیری بر جهان اطراف او دارد و او در قبال این تأثیرات نیز مسئول است. تربیت اگزیستانسیالیستی، کودک را برای پذیرش این مسئولیت آماده می‌کند.

نقد جبرگرایی: اگزیستانسیالیسم با هرگونه جبرگرایی، چه جبر طبیعی، چه جبر تاریخی و چه جبر اجتماعی، مخالف است. از دیدگاه اگزیستانسیالیست‌ها، انسان آزاد است و هیچ عاملی نمی‌تواند او را مجبور به انجام کاری کند. این تأکید بر آزادی، در اصل سؤال نیز به وضوح دیده می‌شود.

ارتباط با تربیت اخلاقی: در زمینه تربیت اخلاقی، اگزیستانسیالیسم بر خودآگاهی و انتخاب آگاهانه ارزش‌ها تأکید دارد. کودک باید بتواند به طور مستقل ارزش‌های خود را انتخاب کند و مسئولیت پیامدهای این انتخاب‌ها را بپذیرد. این برخلاف رویکردهای سنتی است که بر انتقال صرف ارزش‌های از پیش تعیین شده تأکید دارند.

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲ ("ایدئالیسم"): ایدئالیسم بر وجود جهان ایده‌ها و مفاهیم ازلی و ابدی تأکید دارد و واقعیت مادی را سایه‌ای از این ایده‌ها می‌داند. در ایدئالیسم، تربیت به دنبال پرورش افرادی است که به این ایده‌ها دست یابند و با آنها هماهنگ شوند. تأکید اصلی در ایدئالیسم بر عقل و شناخت است و به اندازه اگزیستانسیالیسم بر آزادی و مسئولیت فردی تأکید نمی‌شود.

گزینه ۳ ("تومیست"): تومیست، فلسفه توماس آکویناس است که تلاش کرد آموزه‌های مسیحی را با فلسفه ارسطو تلفیق کند. در تومیست، عقل و ایمان هر دو منابع شناخت هستند و تربیت به دنبال پرورش افرادی است که با عقل و ایمان به حقیقت دست یابند. در تومیست، مفهوم اراده آزاد وجود دارد، اما در چارچوبی الهیاتی تعریف می‌شود و به اندازه اگزیستانسیالیسم بر مسئولیت فردی در قبال ساختن معنای زندگی تأکید نمی‌شود.

گزینه ۴ ("رنالیسم"): رنالیسم بر وجود مستقل جهان خارج از ذهن انسان تأکید دارد. در رنالیسم، تربیت به دنبال انتقال دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی در این جهان واقعی است. تأکید اصلی در رنالیسم بر شناخت جهان واقعی و انطباق با آن است و به اندازه اگزیستانسیالیسم بر آزادی و مسئولیت فردی در قبال ساختن زندگی تأکید نمی‌شود.

نکات تخصصی در مورد این سؤال و گزینه‌های آن:

مفهوم "انتخاب" در اگزیستانسیالیسم: در اگزیستانسیالیسم، انتخاب نه فقط یک عمل ساده، بلکه یک تجربه بنیادین انسانی است که با اضطراب و مسئولیت همراه است. انسان با هر انتخابی، بخشی از وجود خود را می‌آفریند و مسئول پیامدهای آن است.

نقش تربیت در پرورش "اصالت وجود": اگزیستانسیالیسم بر اهمیت "اصالت وجود" تأکید دارد، یعنی زندگی کردن بر اساس ارزش‌ها و انتخاب‌های خود، نه تقلید از دیگران. تربیت اگزیستانسیالیستی باید به کودک کمک کند تا این اصالت را در خود پرورش دهد.

تفاوت اگزیستانسیالیسم با سایر مکاتب: مهم‌ترین تفاوت اگزیستانسیالیسم با سایر مکاتب فلسفی، تأکید بی‌نظیر آن بر آزادی، مسئولیت و اصالت فردی است. در حالی که سایر مکاتب بر مفاهیمی مانند عقل، طبیعت، جامعه یا تاریخ تأکید دارند، اگزیستانسیالیسم بر وجود و تجربه فردی تمرکز می‌کند.

گزینه ۱) .۳

شرح منظور سؤال:

سؤال می‌پرسد که از دیدگاه دکتر هوشیار، برای به کار بستن مؤثر اصول تعلیم و تربیت، رعایت چه عواملی ضروری است. به عبارت دیگر، سؤال به دنبال یافتن مؤلفه‌های کلیدی است که از نظر دکتر هوشیار، اجرای صحیح اصول تعلیم و تربیت را تضمین می‌کند.

دلایل علمی انتخاب گزینه ۱ ("تناسب - وحدت - اقتصاد"):

گزینه ۱ ("تناسب - وحدت - اقتصاد") به درستی دیدگاه دکتر هوشیار در مورد الزامات به کار بستن اصول تعلیم و تربیت را منعکس می‌کند. این سه اصل، از نظر دکتر هوشیار، پایه‌های اساسی برای طراحی و اجرای برنامه‌های تربیتی مؤثر هستند.



- **تناسب (Proportion/Appropriateness):** اصل تناسب به این معناست که محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و فعالیت‌های تربیتی باید با ویژگی‌های رشدی، توانایی‌ها، نیازها و علایق یادگیرندگان متناسب باشد. به عبارت دیگر، برنامه درسی و فعالیت‌های آموزشی باید "اندازه" و "مناسب" با سطح درک و توانایی‌های مخاطب باشند. این اصل از تحمیل مطالب دشوار یا بی‌ربط به یادگیرندگان جلوگیری می‌کند و به یادگیری مؤثرتر کمک می‌کند.
 - **وحدت (Unity/Integration):** اصل وحدت بر یکپارچگی و هماهنگی بین اجزای مختلف فرایند تعلیم و تربیت تأکید دارد. این بدان معناست که اهداف آموزشی، محتوای درسی، روش‌های تدریس، فعالیت‌های تربیتی و ارزشیابی باید با یکدیگر هماهنگ و سازگار باشند و در جهت تحقق اهداف کلی تعلیم و تربیت عمل کنند. این اصل از پراکندگی و گسستگی در فرایند یادگیری جلوگیری می‌کند و به ایجاد تجربه‌ای منسجم و معنادار برای یادگیرندگان کمک می‌کند.
 - **اقتصاد (Economy/Efficiency):** اصل اقتصاد به استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود در فرایند تعلیم و تربیت اشاره دارد. این بدان معناست که باید از صرف وقت، انرژی و هزینه بی‌مورد جلوگیری شود و از روش‌ها و ابزارهای استفاده شود که با کمترین هزینه، بیشترین بازدهی را داشته باشند. این اصل به ویژه در شرایط محدودیت منابع، اهمیت زیادی پیدا می‌کند.
- تجزیه و تحلیل:**
- این سه اصل ("تناسب - وحدت - اقتصاد") به عنوان اصول کلی و بنیادین در بسیاری از نظام‌های آموزشی و تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرند و به طور خاص، در آثار دکتر هوشیار نیز بر اهمیت آنها تأکید شده است. این اصول، چارچوبی منطقی و کارآمد برای طراحی و اجرای برنامه‌های تربیتی فراهم می‌کنند.
- سایر گزینه‌ها، اگرچه ممکن است حاوی نکات مهمی در مورد تعلیم و تربیت باشند، اما به طور مستقیم و جامع به الزامات به کار بستن اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه دکتر هوشیار اشاره نمی‌کنند.
- گزینه ۲ ("تشخص - غنای محیط - حریت") به جنبه‌های مهمی مانند فردیت یادگیرنده، محیط یادگیری و آزادی اشاره دارد، اما به اندازه گزینه ۱، جامع و بنیادین نیست.
 - گزینه ۳ ("جلوگیری از حیات کششی - محدود نکردن دایره فعالیت طفل") به اهمیت رشد طبیعی کودک و جلوگیری از محدودیت‌های بی‌مورد اشاره دارد، اما به طور مستقیم به اصول کلی به کار بستن تعلیم و تربیت نمی‌پردازد.
 - گزینه ۴ ("غنای محیط - قرار دادن کودک در معرض تحریکات مناسب") بر اهمیت محیط یادگیری و تحریکات مناسب تأکید دارد، اما به اندازه گزینه ۱، جامع و نظام‌مند نیست.
- اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:**
- **تناسب (Proportion/Appropriateness):** هماهنگی محتوای آموزشی و فعالیت‌ها با ویژگی‌های یادگیرندگان.
 - **وحدت (Unity/Integration):** هماهنگی و یکپارچگی بین اجزای مختلف فرایند تعلیم و تربیت.
 - **اقتصاد (Economy/Efficiency):** استفاده بهینه از منابع و امکانات در فرایند تعلیم و تربیت.
 - **اصول تعلیم و تربیت (Principles of Education):** قواعد و رهنمودهای کلی که مبنای طراحی و اجرای برنامه‌های تربیتی قرار می‌گیرند.
- بررسی بیشتر گزینه ۱ ("تناسب - وحدت - اقتصاد"):**
- **تناسب و توجه به تفاوت‌های فردی:** اصل تناسب، به طور ضمنی، بر اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان تأکید دارد. هر یادگیرنده، ویژگی‌های رشدی، توانایی‌ها، نیازها و علایق خاص خود را دارد. یک برنامه تربیتی مؤثر باید این تفاوت‌ها را در نظر بگیرد و محتوای آموزشی و فعالیت‌ها را به گونه‌ای تنظیم کند که برای همه یادگیرندگان مناسب و قابل فهم باشد. این موضوع با دیدگاه‌های نوین در تعلیم و تربیت که بر یادگیری شخصی‌شده (Personalized Learning) تأکید دارند، همسو است.
 - **وحدت و ایجاد معنا:** اصل وحدت، فراتر از صرف هماهنگی بین اجزای برنامه درسی، به ایجاد معنا در فرایند یادگیری نیز کمک می‌کند. وقتی اجزای مختلف یک برنامه آموزشی با یکدیگر مرتبط و منسجم باشند، یادگیرندگان می‌توانند ارتباط بین مفاهیم مختلف را درک کنند و تجربه‌ای معنادار از یادگیری داشته باشند. این امر با دیدگاه‌های سازنده‌گرایی (Constructivism) در مورد یادگیری فعال و ساختن دانش توسط یادگیرنده همخوانی دارد.
 - **اقتصاد و کارایی:** اصل اقتصاد، نه فقط به معنای صرفه‌جویی در هزینه و زمان، بلکه به معنای افزایش کارایی فرایند یادگیری نیز هست. وقتی از منابع و امکانات به طور بهینه استفاده شود، یادگیری مؤثرتر و با کیفیت‌تری رخ می‌دهد. این امر به ویژه در شرایطی که منابع محدود هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین این اصل با مفهوم "بهره‌وری" در مدیریت آموزشی مرتبط است.
 - **ارتباط با سایر اصول تربیتی:** این سه اصل ("تناسب - وحدت - اقتصاد") با سایر اصول تربیتی، مانند اصل فعالیت، اصل آزادی، اصل تدریج و اصل تداوم، ارتباط تنگاتنگی دارند. به عنوان مثال، برای اجرای مؤثر اصل فعالیت، باید تناسب فعالیت‌ها با توانایی‌های یادگیرندگان، وحدت بین فعالیت‌ها و اهداف آموزشی و استفاده بهینه از زمان و امکانات در نظر گرفته شود.
- دلایل رد سایر گزینه‌ها:**
- **گزینه ۲ ("تشخص - غنای محیط - حریت"):** این گزینه بر اهمیت فردیت یادگیرنده (تشخص)، محیط یادگیری غنی و آزادی یادگیرنده تأکید دارد. این موارد، جنبه‌های مهمی در تعلیم و تربیت هستند، اما به اندازه گزینه ۱، جامع و نظام‌مند نیستند و به طور خاص به کار بستن اصول تعلیم و



تربیت از دیدگاه دکتر هوشیار نمی‌پردازند. به عبارت دیگر، این موارد، خود می‌توانند مواردی باشند که باید در اصول تعلیم و تربیت لحاظ شوند، نه الزامات به کار بستن آن اصول.

- گزینه ۳ ("جلوگیری از حیات کششی - محدود نکردن دایره فعالیت طفل"): این گزینه به طور خاص به دیدگاه‌هایی در مورد رشد کودک و اهمیت فراهم کردن فرصت برای فعالیت و اکتشاف اشاره دارد. این موارد، در حوزه روانشناسی رشد و تربیت کودک حائز اهمیت هستند، اما به طور مستقیم به اصول کلی و بنیادین به کار بستن تعلیم و تربیت از دیدگاه دکتر هوشیار نمی‌پردازند.
- گزینه ۴ ("غنا محیط - قرار دادن کودک در معرض تحریکات مناسب"): این گزینه بر اهمیت محیط یادگیری و تحریکات مناسب برای رشد کودک تأکید دارد. این نیز موضوع مهمی است، اما به اندازه گزینه ۱، جامع و نظام‌مند نیست و به طور خاص به الزامات به کار بستن اصول تعلیم و تربیت نمی‌پردازد.

نکات تخصصی در مورد این سؤال و گزینه‌های آن:

- تفاوت بین "اصول تعلیم و تربیت" و "عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت": مهم است که بین "اصول تعلیم و تربیت" که قواعد کلی و بنیادین هستند، و "عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت" که شرایط و عواملی هستند که بر فرایند یادگیری تأثیر می‌گذارند، تمایز قائل شویم. گزینه ۱ به "اصول" می‌پردازد، در حالی که سایر گزینه‌ها بیشتر به "عوامل مؤثر" اشاره دارند.
- دیدگاه دکتر هوشیار در مورد تعلیم و تربیت: برای پاسخ دقیق‌تر به این سؤال، لازم است به طور خاص با دیدگاه‌های دکتر هوشیار در مورد تعلیم و تربیت آشنا باشیم. با این حال، سه اصل "تناسب - وحدت - اقتصاد" به عنوان اصول کلی و پذیرفته شده در تعلیم و تربیت، به خوبی با دیدگاه‌های ایشان همخوانی دارند.
- اهمیت نگرش سیستمی در تعلیم و تربیت: گزینه ۱ با تأکید بر وحدت و هماهنگی بین اجزای مختلف فرایند تعلیم و تربیت، بر اهمیت نگرش سیستمی در این حوزه تأکید دارد. نگرش سیستمی به ما کمک می‌کند تا فرایند تعلیم و تربیت را به عنوان یک کل منسجم و مرتبط با اجزای مختلف آن در نظر بگیریم.

۴. گزینه ۲

سوال به دنبال یافتن فیلسوفی است که مفهوم «آزادی کاملاً تنظیم شده» را مطرح کرده و این مفهوم را به عنوان راه حلی برای یک تناقض تربیتی خاص ارائه داده باشد. این تناقض، در واقع، تنش بین دو مفهوم متضاد است که در تربیت وجود دارد.

دلایل علمی انتخاب گزینه ۲ (روسو - حریت و سندیت):

ژان-ژاک روسو، فیلسوف روشنگر، در آثار خود به ویژه «امیل»، به تفصیل به موضوع تربیت و آزادی پرداخته است. او معتقد بود که انسان‌ها به طور طبیعی آزاد به دنیا می‌آیند، اما جامعه آنها را محدود می‌کند. روسو به دنبال یافتن راهی بود تا بتوان آزادی طبیعی کودک را در فرایند تربیت حفظ کرد و در عین حال او را برای زندگی در جامعه آماده ساخت.

مفهوم «آزادی کاملاً تنظیم شده» یا «آزادی هدایت شده» (Guided Freedom) «دقیقاً در همین راستا مطرح می‌شود. روسو معتقد بود که نباید کودک را به حال خود رها کرد، بلکه باید محیط و شرایطی را برای او فراهم کرد که به طور طبیعی و بر اساس تمایلات خود، به سوی رشد و یادگیری هدایت شود. در واقع، مربی یا تربیت‌کننده باید با درک طبیعت کودک و مراحل رشد او، محیطی را طراحی کند که آزادی کودک در آن محدود به قواعد و قوانینی باشد که خود طبیعت تعیین کرده است، نه قوانین تحمیلی جامعه.

تناقضی که روسو به دنبال حل آن بود، تناقض بین «حریت» (آزادی طبیعی کودک) و «سندیت» (ضرورت پذیرش اقتدار و قوانین برای زندگی در جامعه) است. او معتقد بود که می‌توان با «آزادی کاملاً تنظیم شده» این دو مفهوم را با یکدیگر آشتی داد. به عبارت دیگر، کودک باید آزاد باشد تا بر اساس طبیعت خود رشد کند، اما این آزادی باید در چارچوبی باشد که او را برای زندگی در جامعه و پذیرش مسئولیت‌ها آماده سازد.

تجزیه و تحلیل:

مفهوم «آزادی کاملاً تنظیم شده» روسو، تأثیر عمیقی بر نظریه‌های تربیتی بعدی گذاشته است. این مفهوم بر اهمیت درک طبیعت کودک، فراهم کردن محیط مناسب برای رشد، و هدایت غیرمستقیم کودک به سوی یادگیری تأکید دارد. این رویکرد، نقطه مقابل تربیت تحمیلی و اجباری است که در آن کودک مجبور به اطاعت از قوانین و مقررات از پیش تعیین شده است.

اطلاعات در مورد فیلسوفان و شخصیت‌های مطرحه:

- ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) (۱۷۲۴-۱۸۰۴): فیلسوف بزرگ آلمانی عصر روشنگری که در زمینه‌های متافیزیک، اخلاق، معرفت‌شناسی و زیبایی‌شناسی آثار مهمی از خود به جای گذاشته است. مفاهیم "امر مطلق"، "نقد عقل محض" و "آزادی کاملاً تنظیم شده" از مهم‌ترین دستاوردهای فکری او هستند.
- ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) (۱۷۱۲-۱۷۷۸): فیلسوف، نویسنده و آهنگساز سوئیس-فرانسوی که تأثیر زیادی بر انقلاب فرانسه و اندیشه‌های سیاسی و تربیتی پس از آن داشت. نظریه "فرار داد اجتماعی" و تأکید بر "بازگشت به طبیعت" از مهم‌ترین ایده‌های او هستند.
- ماریا مونته سوری (Maria Montessori) (۱۸۷۰-۱۹۵۲): پزشک و مربی ایتالیایی که روش آموزشی خاص خود را بر اساس مشاهده علمی کودکان توسعه داد. روش مونته سوری بر اهمیت محیط آماده شده، فعالیت آزادانه کودک و یادگیری از طریق حواس تأکید دارد.



- رودلف اشتاینر (Rudolf Steiner) (۱۹۲۵-۱۸۶۱): فیلسوف، دانشمند و مربی اتریشی که بنیانگذار آموزش والدورف و آنتروپوسوفی بود. آموزش والدورف بر رشد همه جانبه کودک، هماهنگی بین ابعاد مختلف وجود او و تأکید بر هنر و خلاقیت تمرکز دارد.
اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:
- آزادی کاملاً تنظیم شده (Regulated Freedom/Ordered Liberty): نوعی از آزادی که توسط قوانین عقلانی محدود می‌شود تا از هرج و مرج و تضاد جلوگیری شود.
- حریت (Freedom/Liberty): توانایی انتخاب و عمل بدون جبر خارجی.
- اجتماع (Society/Community): گروهی از افراد که در یک مکان یا زمان مشخص با یکدیگر زندگی می‌کنند و دارای روابط و نهادهای مشترک هستند.
- امر مطلق (Categorical Imperative): اصلی اخلاقی در فلسفه کانت که به ما می‌گوید باید به گونه‌ای عمل کنیم که بتوانیم اراده کنیم که قاعده عمل ما به یک قانون عام تبدیل شود.
چرایی عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۳ (مونته سوری - حریت و فعالیت): ماریا مونته سوری، با روش آموزشی خود، بر اهمیت آزادی کودک در محیط یادگیری تأکید داشت. او معتقد بود که کودک باید آزاد باشد تا فعالیت‌هایی را که به آنها علاقه دارد انتخاب کند و با سرعت خود پیش برود. با این حال، مفهوم «آزادی کاملاً تنظیم شده» به طور خاص به مونته سوری نسبت داده نمی‌شود. روش مونته سوری بیشتر بر فراهم کردن محیط آماده (Prepared Environment) و مواد آموزشی مناسب برای کودک تمرکز دارد تا تنظیم دقیق آزادی.
- گزینه ۴ (اشتاینر - حریت و فردیت): رودولف اشتاینر، بنیانگذار آموزش والدورف، نیز بر اهمیت پرورش فردیت کودک و آزادی او تأکید داشت. او معتقد بود که تربیت باید به رشد همه ابعاد وجودی کودک (جسم، روح و روان) توجه کند. با این حال، مفهوم «آزادی کاملاً تنظیم شده» به طور مستقیم در آثار اشتاینر مطرح نشده است. آموزش والدورف بیشتر بر مراحل رشد کودک، هنر، و پرورش خلاقیت تأکید دارد.
نکات تخصصی در مورد این سوال و گزینه‌ها:
- تمایز بین آزادی طبیعی و آزادی مدنی: روسو بین «آزادی طبیعی» (وضعیتی که انسان در حالت طبیعی دارد) و «آزادی مدنی» (آزادی که در جامعه و تحت قوانین وجود دارد) تمایز قائل بود. «آزادی کاملاً تنظیم شده» به نوعی تلاش برای آشتی دادن این دو نوع آزادی است.
- نقش تربیت در شکل‌گیری آزادی: هر چهار فیلسوف به نوعی به نقش تربیت در شکل‌گیری آزادی پرداخته‌اند. با این حال، رویکرد آنها متفاوت است. روسو بر هدایت طبیعی کودک، کانت بر پرورش عقل و اراده اخلاقی، مونته سوری بر فراهم کردن محیط مناسب، و اشتاینر بر پرورش همه ابعاد وجودی کودک تأکید دارند.
- مفهوم «محیط آماده» در آموزش مونته سوری: این مفهوم به محیطی اشاره دارد که به دقت طراحی شده است تا نیازهای رشدی کودک را برآورده کند و به او امکان آزادی عمل و یادگیری مستقل را بدهد. این مفهوم با «آزادی کاملاً تنظیم شده» روسو شباهت‌هایی دارد، اما تمرکز مونته سوری بیشتر بر محیط فیزیکی و مواد آموزشی است.
- مراحل رشد کودک در آموزش والدورف: اشتاینر معتقد بود که تربیت باید با مراحل رشد کودک هماهنگ باشد. او مراحل هفت ساله رشد را مشخص کرد که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. این رویکرد با تأکید روسو بر درک طبیعت کودک و مراحل رشد او همسو است.
به طور خلاصه، در حالی که هر چهار فیلسوف به موضوع آزادی پرداخته‌اند، مفهوم «آزادی کاملاً تنظیم شده» به طور خاص با اندیشه‌های روسو در مورد تربیت و تلاش او برای آشتی دادن «حریت» و «سندیت» مرتبط است. سایر گزینه‌ها مفاهیم مرتبط دیگری را در مورد آزادی و تربیت مطرح می‌کنند، اما پاسخ مستقیم سوال نیستند.
گزینه ۴
- سوال مطرح شده به دنبال یافتن اصلی از اصول تربیتی است که در عبارت «هرگز اعتماد به نفس دانش‌آموز را از بین ببر! با این همه، او را به ضبط هرچه کامل تر عملش رهبری کن.» تجلی یافته است. به عبارت دیگر، سوال می‌پرسد که کدام اصل تربیتی، حفظ اعتماد به نفس دانش‌آموز در عین هدایت او به سوی کمال و بهبود عملکردش را توصیه می‌کند.
۲. دلایل علمی انتخاب گزینه «کمال»:
- گزینه «کمال» به عنوان پاسخ صحیح، با مفهوم عبارت سوال همخوانی کامل دارد. کمال در اصطلاح تربیتی، به معنای تلاش برای بهبود مستمر و رسیدن به بالاترین سطح ممکن از توانایی‌ها و استعدادها است. عبارت سوال نیز دقیقاً بر همین موضوع تأکید دارد:
- حفظ اعتماد به نفس: این بخش از عبارت، بر اهمیت حفظ خودباوری و انگیزه دانش‌آموز برای پیشرفت تأکید دارد. از بین بردن اعتماد به نفس، مانعی جدی در مسیر کمال‌یابی فرد ایجاد می‌کند.
- رهبری به سوی ضبط کامل تر عمل: این بخش، به لزوم هدایت و راهنمایی دانش‌آموز برای بهبود عملکرد و رسیدن به کمال اشاره دارد. «ضبط کامل تر عمل» به معنای تلاش برای افزایش دقت، کیفیت و کارآمدی عملکرد است.



بنابراین، عبارت سوال به دنبال ایجاد تعادل بین حفظ اعتماد به نفس (به عنوان پیش‌نیاز حرکت به سوی کمال) و هدایت دانش‌آموز به سوی بهبود مستمر و رسیدن به کمال است. این دقیقاً همان چیزی است که اصل «کمال» در تعلیم و تربیت بر آن تأکید دارد. در منابع علمی جدید در حوزه تعلیم و تربیت، مفهوم کمال با رویکردهای مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله این رویکردها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **رویکرد انسان‌گرایانه:** در این رویکرد، کمال به عنوان تحقق خود (Self-actualization) و شکوفایی استعدادهای بالقوه فرد تعریف می‌شود.
- **رویکرد شناختی:** در این رویکرد، کمال به معنای بهبود مستمر در فرایندهای شناختی مانند یادگیری، حل مسئله و تفکر انتقادی است.
- **رویکرد رفتاری:** در این رویکرد، کمال به معنای تغییرات مثبت در رفتار و عملکرد فرد در پاسخ به محیط است. در تمامی این رویکردها، تأکید بر پیشرفت مستمر، بهبود عملکرد و رسیدن به بالاترین سطح ممکن از توانایی‌ها و استعدادها است که با مفهوم «کمال» در عبارت سوال همخوانی دارد.

۳. اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **کمال (Perfection/Excellence/Self-actualization):** در اینجا به معنای تلاش برای بهبود مستمر و رسیدن به بالاترین سطح ممکن از توانایی‌ها و استعدادها در زمینه‌های مختلف (شناختی، رفتاری، عاطفی و غیره) است.
- **اعتماد به نفس (Self-confidence):** باور فرد به توانایی‌های خود برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف و رسیدن به اهداف.
- **ضبط عمل (Performance control/Mastery):** توانایی کنترل و هدایت عملکرد به منظور دستیابی به دقت، کیفیت و کارآمدی بیشتر.

تحلیل و تفسیر دقیق‌تر گزینه «کمال»:

- همانطور که پیش‌تر ذکر شد، «کمال» در فلسفه تعلیم و تربیت، صرفاً به معنای رسیدن به یک نقطه پایانی و ثابت نیست، بلکه فرایندی پویا و مستمر از بهبود و تعالی است. این مفهوم با دیدگاه‌های مختلفی در فلسفه تعلیم و تربیت مرتبط است:
- **اومانیسم (Humanism):** در این دیدگاه، کمال به معنای شکوفایی استعدادهای بالقوه انسانی و تحقق خود (Self-actualization) است. تعلیم و تربیت باید به فرد کمک کند تا به بهترین نسخه از خود تبدیل شود. عبارت سوال نیز با تأکید بر حفظ اعتماد به نفس، به این جنبه از کمال توجه دارد؛ زیرا اعتماد به نفس، پیش‌نیازی ضروری برای شکوفایی استعدادها و حرکت به سوی کمال است.
 - **پراگماتیسم (Pragmatism):** در این دیدگاه، کمال به معنای سازگاری مؤثر با محیط و حل مسائل به شیوه‌ای کارآمد است. تعلیم و تربیت باید فرد را برای زندگی در دنیای واقعی و مواجهه با چالش‌ها آماده کند. «ضبط کامل‌تر عمل» در عبارت سوال، به این جنبه از کمال اشاره دارد؛ زیرا بهبود عملکرد و افزایش کارآمدی، فرد را برای حل مسائل و سازگاری با محیط آماده‌تر می‌کند.
 - **اگزیستانسیالیسم (Existentialism):** در این دیدگاه، کمال به معنای خلق معنا و ارزش در زندگی است. هر فرد مسئول انتخاب‌ها و اعمال خود است و باید به طور مداوم در جهت بهبود و تعالی خود تلاش کند. عبارت سوال با تأکید بر هدایت دانش‌آموز به سوی «ضبط کامل‌تر عمل»، به این جنبه از کمال توجه دارد؛ زیرا هدایت و راهنمایی، به فرد کمک می‌کند تا در مسیر درست گام بردارد و معنایی برای تلاش‌های خود بیابد. بنابراین، «کمال» در این سوال، مفهومی چندوجهی دارد که با دیدگاه‌های مختلف فلسفی در تعلیم و تربیت سازگار است.

دلایل عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **حریت (Liberty/Freedom):** حریت به معنای آزادی انتخاب و عمل است. در حالی که آزادی برای رشد و تعالی فرد ضروری است، عبارت سوال صرفاً بر آزادی تأکید ندارد، بلکه بر حفظ اعتماد به نفس در عین هدایت به سوی بهبود عملکرد تأکید دارد. بنابراین، «حریت» به تنهایی نمی‌تواند منظور عبارت سوال را به طور کامل تبیین کند.
- **سندیت (Authenticity):** سندیت به معنای اصالت و هماهنگی بین رفتار و باورهای فرد است. در حالی که اصالت نیز از جنبه‌های مهم تربیت است، عبارت سوال مستقیماً به این موضوع اشاره ندارد. تأکید اصلی عبارت بر حفظ اعتماد به نفس و هدایت به سوی کمال است.
- **فردیت (Individuality):** فردیت به معنای توجه به ویژگی‌ها و نیازهای منحصر به فرد هر فرد است. در حالی که توجه به فردیت در تعلیم و تربیت بسیار مهم است، عبارت سوال به طور خاص بر این موضوع تأکید ندارد، بلکه بر ایجاد تعادل بین حفظ اعتماد به نفس و هدایت به سوی کمال تأکید دارد که می‌تواند برای همه افراد، صرف نظر از ویژگی‌های فردی‌شان، اعمال شود.

نکات تخصصی در مورد این سوال و گزینه‌ها:

- این سوال به طور خاص بر رابطه بین اعتماد به نفس و کمال در فرایند تربیت تأکید دارد. این رابطه، رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی اعتماد به نفس، پیش‌نیازی برای حرکت به سوی کمال است و در عین حال، پیشرفت و بهبود عملکرد نیز می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس منجر شود.
- در انتخاب گزینه «کمال»، توجه به این نکته ضروری است که کمال در اینجا به معنای «کمال‌گرایی» (Perfectionism) نیست. کمال‌گرایی، تلاشی افراطی و ناسالم برای رسیدن به بی‌نقصی است که می‌تواند منجر به اضطراب و استرس شود. در حالی که «کمال» در این سوال، به معنای تلاشی سالم و سازنده برای بهبود مستمر و رسیدن به بالاترین سطح ممکن از توانایی‌ها و استعدادها است.
- عدم انتخاب سایر گزینه‌ها نشان می‌دهد که سوال به دنبال اصلی است که به طور مستقیم با مفهوم «بهبود مستمر عملکرد» مرتبط باشد. در حالی که مفاهیم حریت، سندیت و فردیت نیز در تربیت مهم هستند، اما به طور مستقیم به این مفهوم اشاره ندارند.